**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه236– 29 /11/ 1398 روایات بحث /عده‌ی زنی که رحمش را خارج کرده اند /اقوال فقها در عده/کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در عده‌ی زنی بود که رحمش را خارج کرده اند. با توجه به آیه‌ی چهارم سوره‌ی طلاق، وجوب عده را برای این زن ثابت کردیم و به روایات بحث رسیدیم.

# روایت اول

سَعْدٌ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ امْرَأَةٍ يَرْتَفِعُ حَيْضُهَا قَالَ ارْتِفَاعُ الطَّمْثِ ضَرْبَانِ فَسَادٌ مِنْ حَيْضٍ أَوِ ارْتِفَاعٌ مِنْ حَمْلٍ فَأَيُّهُمَا كَانَ فَقَدْ حَلَّتْ لِلْأَزْوَاجِ إِذَا وَضَعَتْ أَوْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ بِيضٍ لَيْسَ فِيهَا دَمٌ.[[1]](#footnote-1)

این روایت ارتفاع حیض را مختص به دو مورد می داند:

1. فَسَادٌ مِنْ حَيْضٍ
2. ارْتِفَاعٌ مِنْ حَمْلٍ

در حالی که حیض از زن یائسه هم مرتفع می شود.

«فساد من حیض» شامل یائسه نمی شود، شاهد این که «فساد من حیض» و «یائسه» غیر هم هستند، روایتی از کافی است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى جَارِيَةً مُدْرِكَةً وَ لَمْ تَحِضْ عِنْدَهُ حَتَّى مَضَى لِذَلِكَ سِتَّةُ أَشْهُرٍ وَ لَيْسَ‏ بِهَا حَبَلٌ‏ قَالَ إِنْ كَانَ مِثْلُهَا تَحِيضُ وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مِنْ كِبَرٍ فَهَذَا عَيْبٌ تُرَدُّ مِنْه‏[[2]](#footnote-2)

«مدرکة» یعنی به سن حیض دیدن رسیده است.

این که در روایت اول ارتفاع حیض را به دو مورد اختصاص داده و یائسه را بیان نکرده است به خاطر این است که این روایت قطعه ای از یک روایت مفصل است که موضوع آن، زن جوانی است که هم سن و سالان او حیض می بینند.

# جمع بندی روایات محمد بن حکیم

مجموع نقل های روایات محمد بن حکیم حکم دو دسته از زنان را بیان می کند:

1. زنی که ادعای حمل می کند که خودش بر دو قسم است:

1- بعد از طلاق و ازدواج دوم ادعای حمل می کند.

2- بعد از طلاق و قبل از ازدواج دوم ادعای حمل می کند.

1. زنی که در حمل تردید دارد.

زنی که قبل از ازدواج ادعای حمل می کند تا نهایت زمانی که امکان حمل وجود دارد (نه ماه یا یک سال)، ادعایش مقبول است.

اما زنی که با رعایت قواعد ظاهری ازدواج کرده است، اگر بعد از ازدواج ادعای حمل ( از شوهر سابق) کند، تا وقتی که حمل اثبات نشود، حکم به صحت ازدواجش می شود و ادعای زن مسموع نیست.

زنی که در حمل تردید دارد، تا وقتی که حمل ثابت نشده باید سه ماه عده نگه دارد و سپس می تواند ازدواج کند. اگر پس از ازدواج مشخص شود که حامله بوده است ازدواجش باطل است وگرنه ازدواجش صحیح است.

# روایت دوم

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام فَقُلْتُ الْمَرْأَةُ الَّتِي لَا تَحِيضُ مِثْلُهَا وَ لَمْ تَحِضْ كَمْ تَعْتَدُّ قَالَ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ارْتَابَتْ قَالَ تَعْتَدُّ آخِرَ الْأَجَلَيْنِ تَعْتَدُّ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ارْتَابَتْ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهَا ارْتِيَابٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلْحَبَلِ وَقْتاً فَلَيْسَ بَعْدَهُ ارْتِيَابٌ.[[3]](#footnote-3)

فرض این است که در این روایت «لا» زائد است.

فقها این روایت را این طور معنا کرده اند: زنی که حیض نمی بیند اما هم سن و سالان او حیض می بینند باید سه ماه عده نگه دارد و اگر در مورد حاملگی اش شک دارد مستحب است نه ماه عده نگه دارد ( اگر منظور این است که نه ماه پس از آن سه ماه عده نگه دارد، جمعا می شود یک سال؛ اما اگر نه ماه شامل آن سه ماه هم بشود، همان نه ماه خواهد بود). پس از این مدت دیگر شک و ارتیابی در حمل نیست؛ زیرا خداوند برای حمل مدتی قرار داده است که پس از آن دیگر شکی وجود نخواهد داشت.

این روایت مجمل است و مشخص نیست نهایت مدت حمل نه ماه است یا یک سال می باشد.

احتمالا در این روایت اشتباهی رخ داده است و حکم دو مساله‌ی زن مدعی حمل و زنی که شک دارد حامله است، ترکیب شده است. زنی که باید نه ماه صبر کند، زن مدعی حمل است و زنی که باید سه ماه عده نگه دارد، زن مشکوک الحمل می باشد.

# روایت سوم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ عَبْدٍ صَالِحٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ صلوات الله علیه الْجَارِيَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي لَا تَحِيضُ وَ مِثْلُهَا تَحْمِلُ طَلَّقَهَا زَوْجُهَا قَالَ عِدَّتُهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ.[[4]](#footnote-4)

عبدالکریم بن عمرو، واقفی ثقه است؛ در نتیجه روایت موثقه است.

این روایت احتمالا ابتدای روایت قبل است که «لا»ی زائد داشت.

عبارت روایت قبل چنین بود: «لَا تَحِيضُ مِثْلُهَا وَ لَمْ تَحِضْ»

ممکن است عبارت روایت دوم مثل روایت سوم باشد: «لَا تَحِيضُ وَ مِثْلُهَا تَحیض»

# روایت چهارم

عَنْهُ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ وَ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي تَحِيضُ مِثْلُهَا يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَيَرْتَفِعُ طَمْثُهَا مَا عِدَّتُهَا قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنَّهَا تَزَوَّجَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ فَتَبِينُ لَهَا بَعْدَ مَا دَخَلَتْ عَلَى زَوْجِهَا أَنَّهَا حَامِلٌ قَالَ هَيْهَاتَ مِنْ ذَلِكَ يَا ابْنَ حَكِيمٍ رَفْعُ الطَّمْثِ ضَرْبَانِ إِمَّا فَسَادٌ مِنْ حَيْضَةٍ فَقَدْ حَلَّ لَهَا الْأَزْوَاجُ وَ لَيْسَ بِحَامِلٍ وَ إِمَّا حَامِلٌ فَهُوَ يَسْتَبِينُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَهُ وَقْتاً يَسْتَبِينُ فِيهِ الْحَمْلُ قَالَ قُلْتُ لَهُ فَإِنَّهَا ارْتَابَتْ قَالَ عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ارْتَابَتْ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ قَالَ إِنَّمَا الْحَمْلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَتَزَوَّجُ قَالَ تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ارْتَابَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهَا رِيبَةٌ تَزَوَّجُ.[[5]](#footnote-5)

فَتَبِينُ لَهَا بَعْدَ مَا دَخَلَتْ عَلَى زَوْجِهَا أَنَّهَا حَامِلٌ به این معناست که ادعای حمل می کند.

بر اساس این روایت گفتیم در روایت اول موضوع روایت زن جوانی است که هم سن و سالانش حیض می بینند.

در روایت از زنی سوال شده است که پس از سپری شدن عده‌ی سه ماهه ازدواج می کند و سپس ادعای حمل می کند.

امام می فرماید: ارتفاع حیض دو نوع است:

1. فساد و بیماری در رحم که در این صورت پس از عده، ازدواج بر او حلال است و حامله نمی باشد.
2. حاملگی که در سه ماه برای زن مشخص می شود؛ زنی که پس از سه ماه عده نگه داشتن، علائم بارداری را ندیده است و سپس ازدواج کرده است تا وقتی که اثبات حاملگی نشود، ازدواجش صحیح است.

# روایت پنجم

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ الشَّابَّةُ الَّتِي تَحِيضُ مِثْلُهَا يُطَلِّقُهَا زَوْجُهَا فَيَرْتَفِعُ طَمْثُهَا كَمْ عِدَّتُهَا قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ قَالَ إِنَّمَا الْحَبَلُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ تَزَوَّجُ قَالَ تَحْتَاطُ بِثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتْ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ لَا رِيبَةَ عَلَيْهَا تَزَوَّجُ إِنْ شَاءَتْ.[[6]](#footnote-6)

از این نقل روایت مشخص می شود که این زن ادعای حمل می کند، اگر قبل از ازدواج چنین ادعایی کند این ادعا مسموع است و باید نه ماه عده نگه دارد.

شخص سوال می کند: اگر پس از نه ماه باز هم ادعای حمل کند، امام پاسخ می دهد: حمل نه ماه است.

شخص می پرسد: آیا ازدواج کند؟ امام پاسخ می دهد: سه ماه احتیاط کند. معنای کلام امام چنین است:

عده‌ی زن پس از نه ماه به اتمام رسیده است و حکم به حامله بودن نمی شود و دیگر شوهر نمی تواند رجوع کند. اما چون خود این زن مدعی حمل است باید سه ماه ( الزاما یا استحبابا) احتیاط کند و ازدواج نکند. اگر در این یک سال بچه ای متولد شود، به شوهر سابق ملحق می شود. در آن نه ماه همه‌ی احکام عده وجود دارد؛ اما در سه ماه بعد احکام عده وجود ندارد و فقط بحث انتساب نسب وجود دارد.

در روایت چهارم چنین آمده است: قُلْتُ لَهُ فَإِنَّهَا ارْتَابَتْ قَالَ عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ارْتَابَتْ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ

اما در روایت پنجم چنین آمده است: فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَشْهُرٍ قَالَ عِدَّتُهَا تِسْعَةُ أَشْهُرٍ قُلْتُ فَإِنَّهَا ادَّعَتِ الْحَبَلَ بَعْدَ تِسْعَةِ أَشْهُرٍ

نقل روایت پنجم صحیح است؛ زیرا اگر بحث ارتیاب بود باید سه ماه عده نگه می داشت، اما در صورت ادعای قبل از ازدواج، قول او مسموع است و باید نه ماه عده نگه دارد و در صورت ادعای پس از نه ماه، سه ماه هم احتیاط کند.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص130.](http://lib.eshia.ir/10083/8/130/سعد) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص108.](http://lib.eshia.ir/11005/3/108/جاریة) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص68.](http://lib.eshia.ir/10083/8/68/عائذ) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص117.](http://lib.eshia.ir/10083/8/117/الشابة) [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص129.](http://lib.eshia.ir/10083/8/129/الصالح) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص101.](http://lib.eshia.ir/11005/6/101/الشابة) [↑](#footnote-ref-6)